

تأملی در فلسفه سریان سنت آزمایش از دیدگاه قرآن

جواد سلیمانی*

چکیده

سنت‌های الهی حاکم بر جامعه و تاریخ از عوامل محرک تاریخ به‌شمار می‌آیند که بسیاری از عوامل روبنایی سیر تاریخ تحت حاکمیت آنان قرار دارند؛ یکی از عام‌ترین این سنت‌ها «آزمایش» است که آیات فراوانی از قرآن مجید بدان اختصاص یافته است. در این مقاله اهداف خرد و کلان سریان سنت ابتلا در تاریخ از منظر قرآن مجید بررسی شده است. در یک تحلیل عقلی، سنت آزمایش در قرآن دو هدف کلان «تمحیص و نمایاندن چهره مؤمنان واقعی» را تعقیب می‌کند و سایر اهداف، جزئی و زیرمجموعه این دو هدف محسوب می‌شوند؛ بدین‌سان تربیت بهترین انسان صالح، ساختن انسان مسئول و تاریخ‌ساز، رجوع به‌سوی خدا، قدرشناسی و بسترسازی هدایت، زیرمجموعه هدف کلان تمحیص قرار می‌گیرند و آشکار کردن مجاهدان، صابران و خائفان، تحت عنوان نمایاندن چهره مؤمنان واقعی مطرح می‌گردند.

واژگان کلیدی

سنت‌های الهی، فلسفه تاریخ، ابتلا و آزمایش، قانون‌مندی تاریخ، عوامل محرک تاریخ.

طرح مسئله

جامعه و تاریخ براساس قوانین الهی خاصی اداره می‌شوند که قرآن مجید از آنها با نام «سنت الله» یاد می‌کند؛ سنن الهی همان روش و ضابطه‌ای است که خداوند برای تدبیر جهان اتخاذ فرموده، نظام هستی را تحت حاکمیت این قوانین و در مجرای آنها اداره می‌کند؛ به‌طوری که التفات به این سنن تکوینی موجب آگاهی انسان از قواعد پیروزی و شکست یا صعود و سقوط جوامع می‌گردد و عدم شناخت آنها مایه جهل

*. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۹
soleimani@qabas.net
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۲۵

آدمی از راه و رسم نیل به کمال و سعادت می‌گردد. از این رو شناخت این سنن امری ضروری است و می‌تواند در تعیین برنامه و تاکتیک حرکت جوامع انسانی در انتخاب راه و رسم نیل به کمال حقیقی بسیار مؤثر باشد؛ از این رو شایسته است ماهیت هریک از آنها به صورت مجزا بررسی شود و ارتباط آنها با یکدیگر کشف گردد و اهداف سربان آنها واکاوی شود.

سنت ارسال رسل، سخت‌گیری برای پذیرش حق، آزمایش، محدودیت نعمت، تفاوت‌ها، امداد، زیادی نعمت، زیادی ضلالت، تزیین اعمال، إملا و استدراج، إمهال و استیصال برخی از مهم‌ترین سنت‌هایی هستند که در نظام آفرینش جریان دارند. در این میان، سنت آزمایش که آیات فراوانی از قرآن مجید به آن اختصاص یافته، به دلیل تنوع، فراگیری و ابزارهای گوناگون سربان و نیز سیطره‌اش بر برخی سنن و پیوندش با برخی دیگر، درخور بررسی افزون‌تری است. آگاهی از کم و کیف این سنت، زمینه مواجهه صحیح و بردباری در برابر آن را برای نیل به پیروزی مهیا می‌نماید. افزون بر این، شناخت این سنت و سنن بستر ساز آن باعث می‌شود انسان در آن بسترها غافل نبوده، در اثر حالت خوف و آمادگی و استغاثه مورد عنایت الهی قرار گیرد. بنابراین تحقیق در این عرصه موجب برکات فراوان فردی و اجتماعی است.^۱

اهداف کلان سنت آزمایش

برخی از آیات مبین هدف کلی هستند و برخی دیگر هدف جزئی‌تر را مطرح می‌نمایند که شماری از آنها زیرمجموعه هدف کلی می‌باشند. با توجه به این نکته به نظر می‌رسد برخی از اهداف، جزء مصادیق یا پیامدهای هدف کلی تمحیص (خالص کردن فرد و جامعه) هستند و برخی دیگر، مصادق هدف کلی آشکار کردن چهره مؤمنان؛ بنابراین ابتدا دو هدف کلان سنت آزمایش در قالب تمحیص و نشان دادن چهره مؤمنان واقعی بیان خود شد و سپس اهداف جزئی سنت مذکور که بیشتر زیرمجموعه اهداف کلان به شمار می‌آیند، مطرح می‌شوند.

۱. در زمینه سنت آزمایش، تحقیقات گوناگونی انجام شده که برخی از آنها به صورت مستقل به سنت مذکور اختصاص یافته‌اند، مانند پژوهشی پیرامون ابتلا و امتحان در قرآن به قلم مجتبی روحانی‌راد، *الابتلاء و اثره فی حیاة المؤمنین کما جاء فی القرآن الکریم* اثر عبدالله میرغنی صالح، *الفتنه و موقف الاسلام منها فی ضوء القرآن* به قلم عبدالرحمان سحیانی. برخی دیگر، سنت آزمایش را در کنار سایر سنن بررسی کرده‌اند، مانند قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر اثر محمدی گیلانی، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن نوشته آیت‌الله مصباح، سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن* نگارش احمد مرادخانی و سنت‌های اجتماعی در قرآن اثر احمد حامد مقدم.

این تحقیق‌ها درباره سنت ابتلا کافی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا برخی به صورت مختصر و ناقص و برخی دیگر به صورت پراکنده مطالبی را در مورد سنت آزمایش مطرح کرده‌اند. از این رو جای تحقیق در ابعاد مختلف این سنت، مانند تبیین چیستی، انواع، چگونگی، روابط و فلسفه سربان آن از منظر قرآن هم‌چنان باقی است؛ از این رو این مقال در پی آن است تا سنت مذکور را از زاویه اهداف و غایات آن بررسی کند. شایان ذکر است در ترجمه آیات از ترجمه اساتید محترم مجتبی، گرم‌رودی و مکارم شیرازی استفاده شده است.

(الف) تمحیص (خالص کردن فرد و جامعه)

در برخی از آیات قرآن ابزارهای سنت و به دنبال آن هدف از آن مطرح شده است. برای نمونه در سوره آل عمران سنت دست به دست شدن قدرت بین اهل حق و اهل باطل در دنیا به عنوان مصداقی از آزمایش معرفی شده و هدف از آن نمایان شدن چهره مؤمنان و انتخاب شهداء و تمحیص و محق بیان شده است:

إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَ تِلْكَ الْآيَاتُ تُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ. وَ لِيَمَحَّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكَافِرِينَ. (آل عمران / ۱۴۱ - ۱۴۰)

اگر در (میدان أخذ) به شما جراحاتی وارد شده، در (میدان بدر) زخمی مانند آن به (کفار) وارد گردیده است. ما این روزگاران (پیروزی‌ها و شکست‌ها) را در میان مردم می‌گردانیم (و جابه‌جا می‌کنیم) تا خدای متعال کسانی را که ایمان دارند، معلوم دارد و از شما گواهی بگیرد و خدای متعال ستمگران را دوست ندارد. و تا خدای متعال کسانی را که ایمان آورده‌اند، پاک و جدا کند و کافران را نابود سازد.

بسیاری از مفسران معتقدند آیه فوق در مورد شکست مسلمانان در جنگ احد نازل شده است. (قمی، ۱۳۶۷: ۱ / ۱۲۵؛ طبری، ۱۴۱۲: ۴ / ۶۹؛ طوسی، بی‌تا: ۲ / ۶۰۰؛ ابن عاشور، بی‌تا: ۳ / ۲۲۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۵ / ۸۴؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱ / ۳۲۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲ / ۷۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲ / ۲۸۲) زیرا در آن جنگ وقتی حمله دشمن سنگین شد و شایعه کشته شدن رسول خدا ﷺ منتشر گردید، مسلمانان در اثر ضعف ایمان، غفلت و سهل‌انگاری و بی‌توجهی به دستورات رسول خدا ﷺ پا به فرار نهادند. حتی ایمان برخی کاملاً زایل شد و به کفر بازگشتند. قرآن مجید در ادامه آیات فوق، خطاب به آنان می‌فرماید:

وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَ فَرِحَ بِمَاتٍ أَوْ قُتِلَ أَ ثَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا ... (آل عمران / ۱۴۴)

و محمد جز فرستاده‌ای نیست که پیش از او (نیز) فرستادگانی (بوده و) گذشته‌اند. آیا اگر بمیرد یا کشته گردد، به (باورهای) گذشته خود باز می‌گردید؟ و هر کس به (باورهای) گذشته خود بازگردد، هرگز زبانی به خداوند نمی‌رساند ...

«واو» در «وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا» عطف بر معطوف‌علیه محذوف و مبین این معناست که نمایان شدن چهره مؤمنان واقعی و سه امر دیگر، تنها برخی از اهداف آزمایش به وسیله تداول قدرت است، وگرنه اهداف این کار بیش از چهار مورد مذکور در آیه است؛ ولی همه آنها برای مخاطبان قابل فهم نیست. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۷: ۱ / ۲۰۷؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳ / ۲۳۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴ / ۲۹)

عبارت «وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا» بیانگر نخستین هدف امتحان مؤمنان از طریق دست به دست شدن قدرت بین آنان و کافران است. گرچه ظاهر عبارت این است که خداوند با آزمودن مؤمنان در سایه دست به

دست شدن قدرت بین آنان و اهل باطل می‌خواهد بر علم خود بیفزاید، از آنجاکه خداوند به همه چیز عالم است، مراد این است که او می‌خواهد چهره مؤمنان واقعی نسبت به مدعیان ایمان آشکار شود و مؤمنان حقیقی که خداوند از میزان ایمان باطنی‌شان آگاهی دارد، در ظاهر هویدا گردند و در میان جامعه نمایان شوند. مقصود از «شهدا» در «وَيَتَّخِذُ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ» گواهان بر اعمال است، نه شهیدان در معرکه جنگ احد، چنان‌که برخی چنین پنداشته‌اند؛ (ر.ک: طوسی، بی‌تا: ۲ / ۶۰۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۸۴۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۳۸۶؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۳ / ۲۳۳) چون شهید به معنای کشته در میدان جنگ در هیچ جای قرآن نیامده و این معنا از الفاظی است که در جامعه اسلامی اصطلاح شده است. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴ / ۲۹ - ۲۸)^۱ به علاوه معمول نیست که فعل «يَتَّخِذُ» برای شهدا در معرکه به کار رود. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۶ / ۲۸۶)

بنابراین هدف دوم از دست به دست شدن قدرت در میان اهل حق و اهل باطل این است که خداوند از میان مؤمنان، گواهانی بر اعمال انتخاب نماید.

«تمحیص» مصدر فعل «مَحَصَ» به معنای خالص کردن چیزی از عیب‌ها و ناخالصی‌ها و پاک کردن از گناهان است. (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳ / ۱۲۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۷ / ۹۰) و «مَحَق» نیز به معنای کم کردن چیزی و نابود کردن برکت از آن است. (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳ / ۵۶؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۰ / ۳۳۸) شاهد این مطلب آن است که درباره آخر ماه که هلال ماه در حال نابود شدن است، می‌گویند ماه در حالت محاق قرار گرفته است. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳ / ۵۶)

در تفاسیر نیز معنای فوق برای آیه پذیرفته شده است و «تمحیص» را به معنای خالص کردن و «مَحَق» را به معنای نابود کردن گرفته‌اند. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۸۴۵؛ ۳ / ۲۳۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴ / ۲۸) زیرا هنگامی که مؤمنان از کافران ضربه می‌خورند، ولی همچنان استقامت می‌ورزند و بر ایمان خود باقی می‌مانند، این امر موجب زیاد شدن اجر و ریش گناه آنها می‌شود و به خالص‌تر شدن ایمان آنان می‌انجامد. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۸۴۵) همچنین هنگامی که کافران از مؤمنان شکست می‌خورند، نابود می‌شوند. (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۴۲۰) البته زوال دو نوع است: دفعی و تدریجی. برخی از مفسران معتقدند محق به معنای زوال تدریجی و گام‌به‌گام است، نه زوال دفعی و یکباره. (عاملی، ۱۴۱۳: ۱ / ۲۶۹)

مفاد صدر این آیات آن است که اگر در جنگ به شما آسیبی رسیده، به دلیل انتقال قدرت بین انسان‌هاست که یکی از عوامل زمینه‌ساز آزمایش مردم است و با اهداف متعددی صورت می‌گیرد که برخی از آنها عبارتند از: نمایان شدن چهره مؤمنان واقعی در جامعه و تمییز آنان از منافقان و کافران، گزینش گواهان بر اعمال، تمحیص (خالص کردن مؤمنان) و محق (نابودی کافران).

۱. برای توضیح بیشتر بنگرید به: تفسیر المیزان ذیل آیه «وَكذلكَ جَعَلْنٰكُمْ اُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ». (بقره / ۱۴۳)

از این آیات به دست می‌آید که خداوند متعال برای اینکه مؤمنان در اثر جهاد در راه او به درجات بالای قرب برسند و کافران نیز به دست ایشان نابود شوند، همواره بین اهل حق و اهل باطل نزاع برقرار می‌کند، مدتی قدرت را در دست اهل حق قرار می‌دهد و اهل باطل برای تصاحب قدرت با آنها می‌جنگند و زمانی حکومت را به دست اهل باطل می‌سپارد و اهل حق برای نجات از یوغ آنان مجاهده می‌کنند. در نتیجه نزاع مستمری در تاریخ بین اهل حق و اهل باطل جریان می‌یابد که بدین سان زمینه آزمایش اهل حق فراهم می‌گردد. در میدان جهاد با باطل معلوم می‌شود چه کسانی ایمان قوی و خالصی دارند و اهل استقامت در راه حق هستند و چه کسانی سست‌ایمان می‌باشند و هنگامی که ایستادگی در راه حق به قیمت از دست رفتن جان و مالشان تمام می‌شود، از میدان فرار می‌کنند. چه کسانی منافقانه لاف دینداری می‌زنند، ولی در باطن با اهل باطل هم‌نوا هستند. از این رو در ادامه آیه می‌فرماید:

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ.
(آل عمران / ۱۴۲)

آیا پنداشته‌اید به بهشت می‌روید، بی‌آنکه خداوند جهادگران و شکیبایان شما را معلوم دارد؟

در مقابل «تمحیص» که مایه خیر و سودمندی برای مؤمنان است، «محق» قرار می‌گیرد که براساس آن، کسانی که نقاب ایمان بر چهره کشیده، خبث و کفر باطنی خود را پنهان می‌کنند، در اثر مردود شدن در امتحان‌های پی‌درپی الهی، خبث باطن‌شان نمایان می‌شود و فضایل ظاهری آنها نابود می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت تمحیص و محق، دو سنت از سنن الهی هستند که با سریان سنت «ابتلا» محقق می‌شوند و دو هدف از اهداف سنت «ابتلا» به‌شمار می‌آیند. برپایه این سنت، خداوند از طریق آزمون‌های مختلف، چهره منافقان را برملا می‌نماید و ماهیت پنهانشان را برای خودشان و جامعه افشا می‌کند تا صفوف اهل ایمان و کفر در طول تاریخ از یکدیگر جدا شوند.

این سنت محق غیر از سنت محق نهایی است که در مورد کافران در فصل پایان تاریخ جریان می‌یابد؛ زیرا آن سنت، پیروزی نهایی حق و اهل آن بر باطل و پیروانش و نابودی بنیان کُفر و نفاق و کافران و منافقان را به دنبال دارد؛ درحالی‌که سنت محق در بحث حاضر موجب پیروزی مقطعی حق بر باطل در طول تاریخ می‌شود.

قرآن مجید در مواردی صریحاً «تمحیص» را یکی از اهداف سنت آزمایش برشمرده است؛ ولی در سایر موارد، اموری را که از لوازم تمحیص به‌شمار می‌آیند، هدف سنت آزمایش معرفی کرده است.

ب) نمایاندن چهره مؤمنان حقیقی

قرآن مجید علاوه بر تمحیص، آشکار کردن چهره مؤمنان را از اهداف سنت آزمایش مطرح می‌فرماید. در آیه سوم از سوره عنکبوت می‌خوانیم:

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ.

همانا کسانی را که پیش از آنها بودند، آزموده‌ایم (و اینها را نیز می‌آزماییم) باید علم خدا درباره کسانی که راستگو هستند و کسانی که دروغگو هستند، تحقق یابد.

طبق این آیه، یکی از اهداف سنت آزمایش، نمایان شدن چهره مؤمنان واقعی از غیرمؤمنان است؛ زیرا چیزی بر علم ذاتی خداوند پوشیده نیست تا با آزمودن انسان‌ها به آن علم پیدا کند. بنابراین مقصود از علم یافتن خداوند همان علم فعلی اوست که با فعل او محقق می‌گردد و حقیقت درونی انسان‌ها به واسطه آن بروز و ظهور می‌یابد و بدین‌سان چهره واقعی‌شان نمایان می‌گردد.

علاوه بر آیه فوق، آیات فراوانی مبین این حقیقت است که یکی از اهداف کلی سریان آزمایش، افشای هویت درونی مؤمنان در جامعه و تاریخ است. آیات مزبور، این هدف کلی را در قالب مصادیق جزئی‌تری، مانند نمایاندن مجاهدان فی سبیل‌الله، صابران و خائفان از خدا در نهان بیان نموده‌اند که در بیان اهداف جزئی به آنان می‌پردازیم.

اهداف جزئی سنت آزمایش

مقصود از اهداف جزئی اهدافی است که زیرمجموعه دو هدف کلان سنت آزمایش هستند. برخی از آنها مصادق و برخی دیگر از لوازم تمحیص یا نمایاندن چهره مؤمنان حقیقی به‌شمار می‌آیند. از این‌رو آنها را به دو دسته اهداف زیرمجموعه تمحیص و اهداف زیرمجموعه نمایاندن چهره مؤمنان تقسیم می‌کنیم:

الف) اهداف جزئی مرتبط با تمحیص

براساس آیات قرآن مجید، تمحیص که به‌معنای خالص کردن فرد و جامعه و به‌عنوان یکی از اهداف کلی ابتلا به‌شمار می‌آید و در قالب‌های گوناگونی تحقق می‌یابد، گاه در فرآیند ساخته شدن انسان کامل و گاه در سایه عبادت و زمانی در اثر شکرگزاری در درگاه الهی تحقق می‌یابد؛ از این‌رو در این قسمت، اهدافی که با هدف تمحیص مرتبط بوده‌اند، تحت عنوان اهداف جزئی و زیرمجموعه هدف کلان تمحیص بیان شده‌اند.

۱. ساختن انسان مسئول و تاریخ‌ساز

خداوند برخی از انسان‌ها را برای نیل به مقامات این دنیا از طریق امور گوناگون و دشواری می‌آزماید تا قابلیت دریافت مقامات بلندی را که برای آنان در نظر گرفته شده است، بیابند. پیامبران مصادیق بارز این دسته از انسان‌ها هستند؛ چنان‌که در قرآن مجید به آن اشاره شده است:

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ... (بقره / ۱۲۴)

و [به یاد آر] آنگاه که ابراهیم را پروردگار وی به اموری چند بیازمود و او آنها را به انجام رسانید. [خدای] گفت: تو را پیشوای مردم خواهم کرد ...

برخی از مفسران معتقدند مقصود از «ابتلا» در این آیه شریفه، امتحان سنگین است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۳۷۷) موارد آزمایش حضرت ابراهیم، امور سختی مانند ذبح اسماعیل بوده که آن حضرت را لایق نیل به مقام بالاتر کرده است.

در آیه دیگر درباره حضرت موسی (ع) می‌فرماید:

إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ
وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَرَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِتِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ
يَا مُوسَىٰ. (طه / ۴۰)

آن هنگام که خواهرت (در نزدیکی کاخ فرعون) راه می‌رفت و می‌گفت: آیا کسی را به شما نشان دهم که این نوزاد را کفالت می‌کند؟ (و دایه خوبی برای او خواهد بود) پس تو را به مادرت بازگردانیدیم، تا چشمش به تو روشن شود و غمگین نگردد! و تو یکی از (فرعونیان) را کشتی، اما ما تو را از اندوه نجات دادیم! و بارها تو را آزمودیم! پس از آن، سالیانی در میان مردم «مدین» توقف نمودی، سپس در زمان مقدر (برای فرمان رسالت) به اینجا آمده‌ای، ای موسی!

«فتنه» در این آیه به معنای «آزمایش» است، خداوند بعد از ذکر برخی از جریان‌های تلخ و شیرین زندگی حضرت موسی (ع) به آن حضرت می‌فرماید: تمام این مشکلاتی که برای تو در طول زندگی‌ات قبل از نیل به رسالت رخ داده است، آزمایشی از سوی ما بود تا تو را برای مأموریت رسالت آماده کنیم؛ زیرا در اثر مواجهه انسان با مشکلات و خطرها، تجربه او بیشتر می‌شود و قدرت اراده و تصمیم‌گیری صحیح‌اش تقویت می‌گردد و عقل انسان رشد می‌کند. برخی گفته‌اند: مقصود از «فتنّاك فُتُونًا» این است که تو را از رنج‌های پی‌درپی خلاص کردیم و برخی دیگر گفته‌اند: مقصود این است که ما در امر معاش و کسب هزینه زندگی بر تو سخت گرفتیم، به‌طوری که ده سال برای حضرت شعیب چوپانی کردی. (ر.ک: همان: ۱۹ / ۷)

در آیه فوق، آزمایش وسیله‌ای برای آماده‌سازی پیامبران برای دریافت رسالت الهی معرفی شده است و این نشانگر آن است که در فرهنگ قرآن، آزمایش و فتنه در زندگی انسان مؤمن، وسیله‌ای برای تربیت و پرورش انسان در برخورد صحیح با مشکلات و خروج مقتدرانه و صحیح و سالم از آنهاست. بنابراین انسان مؤمن به راحتی و تن‌آسایی نمی‌پردازد؛ بلکه با قبول سختی‌ها و مسئولیت‌ها، قدرت حمل رسالت و مواجهه با تحدید دشمنان خدا را پیدا می‌کند. (ر.ک: فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۵ / ۱۱۰) پس می‌توان گفت: هدف نهایی سنت آزمایش در آیه فوق، ساختن انسان مسئول و تاریخ‌ساز است و فرآیند ساختن انسان کامل، خود مبین فرآیند تمحیص محسوب می‌شود.

۲. بازگشت به سوی خدا

خداوند انسان‌ها را برای این خلق نکرده است تا در زمین گناه کنند و عذاب شوند؛ بلکه آنان را آفریده تا در

درگاه حضرتش بندگی کنند و با بندگی به کمال لایق خود برسند که این خود دالان تمحیص انسان‌هاست. قرآن در این مورد می‌فرماید:

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ. (ذاریات / ۵۶)

من جن و انس را نیافریدم، مگر برای اینکه عبادتم کنند.

حال از آنجا که انسان در فطرت خود، طالب کمال بی‌نهایت است و این کمال بی‌نهایت، خداوند تبارک و تعالی است، پس کمال لایق انسان در گرو قرب به خداوند است. از این‌رو او با روش‌های خاصی زمینه قرب انسان‌ها به خودش را فراهم می‌کند. برای نمونه، کسانی را که ظرفیت و تحمل فقر و تنگدستی را ندارند (در فقر و بیماری به کفر مبتلا می‌شوند) با اعطای نعمت و خوشی و کسانی را که ظرفیت تحمل رفاه و آسایش را ندارند (در رفاه دین خود را از دست می‌دهند و به فسق و فجور مبتلا می‌شوند) با محنت و دشواری می‌آزماید تا شاید آنها را در مدار دینداری و قرب به خویش نگه دارد.

امام باقر (ع) از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که خداوند فرمود:

همانا از میان بندگان مؤمن، عبادت‌کنندگانی هستند که دینشان اصلاح نمی‌شود، مگر به واسطه بی‌نیازی مالی و وسعت رزق و سلامتی بدن، پس من آنها را با ثروت و رفاه و سلامتی بدن می‌آزمایم تا دینشان سالم بماند و در میان بندگان مؤمنم، عبادت‌کنندگانی هستند که دینشان برای آنها سالم باقی نمی‌ماند، مگر به وسیله فقر و تنگدستی و بیماری بدنی، از این‌رو آنان را با نداری و تنگدستی و بیماری می‌آزمایم تا دین آنها برای ایشان سالم باقی بماند و من بهتر از هر کسی می‌دانم که چگونه دین بندگان مؤمنم صحیح می‌ماند. (کلینی، ۱۳۸۸: ۲ / ۶۱ - ۶۰؛ اسکافی، ۱۴۰۴: ۱ / ۲۸؛ طبرسی، ۱۳۸۵: ۳۱۴ - ۳۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۹ / ۳۲۸ - ۳۲۷)^۱

براساس این روایت خداوند برای اینکه انسان‌ها به درگاه او بازگردند و از پروردگارشان جدا نشوند، آنان را به امور خاصی می‌آزماید. بنی‌اسرائیل نماد امتی هستند که خداوند برای اینکه آنان از کفر و الحاد بریده، به درگاه الهی بازگشت کنند و از اطاعت خدا جدا نشوند، هم به سختی و هم به راحتی آزموده شدند. خداوند در قرآن می‌فرماید:

... وَ بَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ. (اعراف / ۱۶۸)

و ما [بنی‌اسرائیل] را به نیکی‌ها و بدی‌ها آزمودیم تا که شاید بازگردند.

... وَ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ. (زخرف / ۴۸)

... و آنان را با عذاب فرو گرفتیم، باشد که بازگردند.

۱. شایان ذکر است سند روایت فوق، برحسب نقل کلینی عبارت است از: «مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّادِ» که همه آنها امامی و ثقه می‌باشند. از این‌رو روایت فوق صحیح‌السند است.

هدف از آزمایش در اینجا (چه در قالب نعمت و چه در لباس نعمت) بازگشت به سوی خداست؛ زیرا در صورت نزول نعمت و راحتی، انسان برای شکرگزاری و بقا و استمرار آن، نیازمند رجوع و توجه به خداست و در صورت سختی و شدائد نیز انسان برای عرض حاجت و درخواست حل مشکلاتش به خدا مراجعه می‌کند تا خداوند گرفتاری را از او دفع کند.

۳. ترویج قدرشناسی

یکی از هدف‌های آزمایش در قرآن مجید، سنجش میزان قدردانی انسان‌ها معرفی شده است، حال از آنجاکه این امر، ابزار خالص کردن جامعه محسوب می‌شود، زیرمجموعه هدف کلان تمحیص قرار می‌گیرد؛ قرآن مجید می‌فرماید:

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ ... (نمل / ۴۰)

کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت، گفت: پیش از آنکه چشمت را برهم زنی، من آن را نزد تو خواهم آورد و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود پا برجا دید، گفت: این فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می‌آورم یا کفران می‌کنم؟! ...

این آیه ماجرای آوردن تخت بلقیس به کاخ حضرت سلیمان علیه السلام را بازگو می‌کند. وقتی حضرت سلیمان دید یکی از اصحابش توانست با یک چشم برهم زدن، تخت بلقیس را از یک مکان دوری نزد وی حاضر کند، این را یکی از موارد آزمایش الهی نسبت به خود دانست و هدف از آن را سنجش سپاس‌گزاری یا کفران نعمت شمرد. خداوند نعمت پیروزی مؤمنان بر کفار در جنگ بدر را وسیله‌ای برای آزمودن آنان معرفی می‌فرماید:

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَامْرَأَتِي إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا ... (انفال / ۱۷)

این شما نبودید که آنها را کشتید، بلکه خداوند آنها را کشت؛ و این تو نبودی (ای پیامبر که خاک و سنگ به صورت آنها) انداختی، بلکه خدا انداخت! و خدا می‌خواست مؤمنان را به این وسیله امتحان خوبی کند ...

در اینجا آزمودن به نعمت، جز به معنای سنجش میزان قدرشناسی و سپاس‌گزاری مؤمنان در قبال این نعمت نیست. خداوند می‌خواهد معلوم گردد آیا آنها در اثر این پیروزی مغرور می‌شوند یا آن را از خدا دیده، شکرش را به جا می‌آورند؟

بنابراین می‌توان گفت یکی از اهداف آزمایش‌های الهی، معین نمودن میزان قدرشناسی انسان‌ها و سنجش ظرفیت آنان، در تلقی نعمت است که این امر با شکران نعمت یا کفران ورزیدن و ناسپاسی نسبت به آن هویدا می‌شود. البته این هدف در آزمایش‌هایی که مربوط به نعمت می‌باشد، معنا دارد، نه آزمونِ نعمت و سختی و رنج.

۴. بسترسازی هدایت

هدایت و گمراهی، زمانی محقق می‌شود که بستر لازم آن فراهم گردد. یکی از بسترهای هدایت و گمراهی، برخی از آزمایش‌های الهی است؛ زیرا گاهی خداوند، انسان را به وسیله چیزی می‌آزماید که شأنیت هدایت و گمراهی را در خود دارد؛ برای نمونه قرآن می‌فرماید:

وَ اخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ
مِنْ قَبْلُ وَ إِيَّايَ أَتَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَ تَهْدِي مَنْ
تَشَاءُ ... (اعراف / ۱۵۵)

موسی از قوم خود، هفتاد تن از مردان را برای میعادگاه ما برگزید و هنگامی که زمین لرزه آنها را فراگرفت، (و هلاک شدند) گفت: پروردگارا! اگر می‌خواستی، می‌توانستی آنها و مرا پیش از این نیز هلاک کنی. آیا ما را به آنچه سفیهانمان انجام داده‌اند، (مجازات و) هلاک می‌کنی؟! این، جز آزمایش تو چیز دیگر نیست، که هرکس را بخواهی، (و مستحق بدانی) به وسیله آن گمراه می‌سازی و هرکس را بخواهی، (و شایسته ببینی) هدایت می‌کنی ...

درباره اینکه مقصود از «فتنه» در آیه شریفه چیست، بین مفسران اختلاف وجود دارد: عده‌ای از مفسران معتقدند مقصود، آزمایش گوساله‌پرستی قوم حضرت موسی بوده است؛ اما برخی دیگر می‌گویند جریان گوساله‌پرستی بعد از این میقات بوده است. بنابراین مقصود از فتنه در آیه مورد بحث، لرزه شدیدی است که آن هفتاد نفری را که به میقات آمده بودند، فراگرفت.

ابن عباس - که از شاگردان امام علی علیه السلام در تفسیر به‌شمار می‌آید - معتقد است مراد از فتنه، عذابی است که به صورت لرزش شدیدی موجب هلاکت آنان گردیده است. چنان‌که در آیه «يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ» (ذاریات / ۱۳) فتنه به معنای عذاب آمده است و بر همین اساس «تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ» به این معناست که: «این عذاب را به هرکه بخواهی، می‌رسانی و از هرکه بخواهی، دور می‌کنی» (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۷۴۶)

برخی دیگر مانند سعید بن جبیر معتقدند مراد از فتنه در اینجا آزمایش به سختی است و در آیات دیگری نیز فتنه در این معنا به کار رفته است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۷۴۶) مانند:

أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ... (توبه / ۱۲۶)
آیا نمی‌بینند که آنان هر سال یک یا دوبار (با بلا و سختی) آزمون می‌گردند ...
أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ. (عنکبوت / ۲)
آیا مردم پنداشته‌اند همان‌که بگویند ایمان آورده‌ایم، وانهاده می‌شوند و آنان را نمی‌آزمایند؟

آنان مصداق آزمایش به سختی در آیه مورد بحث را گوساله‌پرستی بنی اسرائیل در غیاب حضرت موسی می‌دانند و بر این باورند که براساس سیاق آیات، حضرت موسی علیه السلام دو میقات داشته است: در میقات اول

به تنهایی نزد خدا رفت و الواح را از او دریافت کرد و در میقات دوم با هفتاد تن از قومش به دیدار خداوند رفت و گوساله پرستی بین این دو میقات رخ داده است. بنابراین می توان گفت ضمیر «هی» در عبارت «إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ» به ماجرای گوساله پرستی بنی اسرائیل بازمی گردد. مؤید این تفسیر آن است که خداوند متعال در سوره طه، از گوساله پرستی به فتنه به معنای آزمایش یاد کرده، می فرماید:

قَالَ فَإِنَّا قَدْ فِتْنَتَا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ. (طه / ۸۵)

همانا ما قوم تو را بعد از تو آزمایش کردیم و سامری آنها را گمراه نمود.

به نظر می رسد موسی با گفتن «ان هی الا فتنتك» به قول خداوند «فانا فتنّا» اشاره می کند. بنابراین گفتگوی موسی با خدا درباره هلاک شدن آن هفتاد نفر در میقات، بعد از جریان گوساله پرستی بوده و این میقات غیر از میقات نخستین بوده است.

از سوی دیگر طبق آیه، این فتنه می تواند موجب هدایت برخی و گمراهی برخی دیگر گردد؛ درحالی که عذاب را نمی توان مایه هدایت یا گمراهی دانست؛ ولی آزمایش به گوساله پرستی می تواند ابزار گمراهی یا هدایت برخی گردد. (ر.ک: جعفری، ۱۳۷۷: ۴ / ۲۳۷ - ۲۳۵)

برخی از مؤیدهای این نظر قابل نقد است؛ زیرا:

اولاً: خداوند در سوره نساء می فرماید:

فَقَالُوا أَرَنَا اللَّهُ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ. (نساء / ۱۵۳)

بدو گفتند: خدا را آشکارا به ما نشان ده که صاعقه آنان را به خاطر ظلمشان بگرفت، باین حال باز ایمان نیاورده، بعد از آن همه معجزه، گوساله را خدای خود گرفتند.

این نشان می دهد ماجرای صاعقه طور سینا قبل از گوساله پرستی بوده، نه بعد از آن؛ هرچند از برخی مفسران متقدم نقل شده که ماجرای صاعقه دوبار بوده است؛ یک بار قبل از گوساله پرستی و بار دیگر بعد از آن؛ (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۷۴۵) باین همه، از ظاهر آیات چنین چیزی فهمیده نمی شود.

ثانیاً: عذاب هفتاد نفر به علت خطایی که مرتکب شده اند، می تواند مایه هدایت کسانی شود که از این عذاب عبرت می گیرند. از سوی دیگر، می تواند عده ای از جهال را به اعتراض به خدا واداشته، به گمراهی بکشاند. پس اگر فتنه را به معنای عذاب بگیریم، در درک مفهوم آیه دچار مشکل یا تناقض نخواهیم شد.

اینکه خداوند در سوره طه از ماجرای گوساله پرستی به «فتنه» به معنای «آزمایش» یاد کرده، مؤید خوبی است که در آیه مورد بحث نیز مراد از فتنه همان جریان گوساله پرستی باشد. در این صورت، عبارت «تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ» به معنای آزمایش بودن گوساله پرستی است که هرکس را بخواهی، به وسیله ترک صبر و عدم پرهیز از آن، از ثواب خود محروم می کنی و هرکه را بخواهی، از طریق صبر و پرهیز از آن، مستوجب ثواب قرار داده، هدایت می کنی.

علامه طباطبایی، تطبیق فتنه بر ماجرای گوساله سامری را رد می‌نماید؛ ولی در هر صورت فتنه در این آیه را به معنای امتحان گرفته، می‌فرماید: عبارت «تُضِلُّهُمُ مِنْ تَشَاءُ وَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ» در مقام بیان یک قاعده کلی و هدف سنت آزمایش است و آن اینکه به وسیله امتحان، برخی گمراه و برخی دیگر هدایت می‌شوند. حضرت موسی نگران بود که هلاکت این گروه، موجب بی‌ایمانی سایر مردم نسبت به دین او شود و لذا به خدا گفت: سنت تو این نیست که همه کسانی را که امتحان می‌کنی، به هلاکت برسانی، رحمت بر غضبت سبقت دارد؛ اگرچه آنها گناهکار بوده‌اند رویه تو این نیست که در عذاب گناهکاران عجله کنی یا آنها را به علت رفتار سفیهانه عقاب نمایی. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸ / ۲۷۲)

بنابراین تفسیر، یکی از اهداف سنت آزمایش، بسترسازی هدایت برای بشریت خواهد بود. این بسترسازی هدایت به معنای زمینه‌سازی تمحیص و خالص کردن جامعه بشری است و از این رو زیرمجموعه هدف کلی تمحیص قرار می‌گیرد.

(ب) اهداف جزئی مرتبط با نمایاندن چهره مؤمنان

پیش‌تر گفته شد که یکی از اهداف کلان سنت آزمایش، نمایاندن چهره مؤمنان واقعی است. قرآن مجید علاوه بر بیان این هدف کلی، در آیات متعددی نمایاندن چهره دسته خاصی از مؤمنان را جزء اهداف سنت آزمایش بیان می‌فرماید که بادقت در این آیات معلوم می‌گردد این آیات مبین هدف کلی جدیدی در عرض هدف کلی نمایاندن چهره مؤمنان نیستند؛ بلکه زیرمجموعه آن محسوب می‌شوند.

۱. تعیین انسان‌های برتر

در سوره هود می‌خوانیم:

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ... (هود / ۷)

او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید و عرش او بر روی آب بود، تا ببازماید کدامیک از شما به عمل نیکوتر است ...

طبق مفاد این آیه، هدف از خلقت زمین و آسمان، آزمایش انسان‌ها بوده است؛ ولی از آنجاکه نتیجه آزمایش در علم الهی همواره معلوم است، پس هدف از آزمایش باید چیز دیگری باشد. از این رو هدف از آزمایش در فرهنگ قرآن، معین شدن باطن‌های پاک از پلید و نیک از بد بیان شده است.

طبق تصریح آیه، هدف از خلقت این است که در پرتو امتحان معلوم شود چه کسی بهترین عمل را انجام می‌دهد. بنابراین خدا می‌خواهد در میان انسان‌های خوب و بد، بهترین انسان‌ها را از حیث انجام عمل صالح معین کند. حال از آنجاکه برترین انسان‌ها پیامبران و امامان معصوم و در رأس آنها رسول خاتم‌الأنبیاء ﷺ قرار دارند، هدف از خلقت، آن ذوات مقدس هستند؛ همان‌گونه که در برخی از احادیث قدسی به این حقیقت

تصریح شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۰ / ۲۰) پس هدف از آزمایش در آیه فوق، نمایاندن متعالی‌ترین انسان در میدان عمل از سایرین است؛ اعم از اینکه دیگران صالح باشند یا طالح. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰ / ۱۵۲)

۲. نمایاندن مجاهدان فی سبیل‌الله

انسان‌ها در روابط گسترده اجتماعی، با افراد مختلفی اعم از کافر و مؤمن و منافق ارتباط دارند و این ارتباط در پاره‌ای از موارد جزء ضروریات زندگی است؛ ولی در مسیر زندگی حوادثی رخ می‌دهد که در آنها انسان باید برای رضای خدا، کاری را که خلاف میل شیاطین و کافران و منافقان است، ترک یا انجام دهد. در این حوادث، مردم دو دسته می‌شوند: عده‌ای با ملاحظه پیوند دیرینه خود با کافران و منافقان، حاضر به درگیری و مخالفت با میل آنها نمی‌شوند؛ ولی دسته‌ای دیگر به احترام خدا و رسول و مؤمنان، به مخالفت با کافران برخاسته، رشته پیوند ظاهری با کافران و منافقان را می‌گسلند. صحنه جهاد با کافران و منافقان، یکی از مصادیق بارز این دست حوادث است که در آن هم مدعیان لاف‌زن دین و دینداری و هم مؤمنان واقعی نمایان می‌گردند و معلوم می‌شود چه کسانی حاضرند برای انجام وظیفه در راه خدا جهاد نمایند و پیوندهای اجتماعی و عاطفی خود با کافران و منافقان را فدای محبت به خدا و رسول و مؤمنان واقعی بکنند. قرآن یکی از اسرار آزمایش را تعیین و بازنمایی کسانی می‌داند که بین دوستی خدا و سایر امور دنیایی، محبت خداوند را برمی‌گزینند و در راه خدا با شرک و الحاد می‌جنگند:

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ ... (توبه / ۱۶)

یا مگر پنداشته‌اید که شما را واگذارند [و کارزار با کافران نفرمایند] و حال آنکه خداوند هنوز کسانی از شما را که جهاد کردند و به‌جز خدا و پیامبرش و مؤمنان یار همرازی نگرفتند، معلوم نمی‌دارد ...

آیه قبل از این آیه، مؤمنان را به جنگ با کفار ترغیب می‌کند که این قرینه‌ای است بر آنکه مخاطب آیه فوق نیز مؤمنان هستند و آیه در مقام تحریک آنها برای مبارزه با کفار است. طبق این آیه، خداوند می‌خواهد مؤمنان با جهاد نمودن در راه او، مراتب ایمان و میزان از خودگذشتگی به فعلیت برسند. (ر.ک: همان: ۹ / ۱۶۱ - ۱۶۰) به‌دنبال به‌فعلیت رسیدن استعدادهای ایمانی و ایثارگری مؤمنان، آنان به کمال می‌رسند و بدین وسیله به استقرار حق در جامعه کمک می‌شود.

۳. نمایاندن صابران

خداوند در قرآن می‌فرماید:

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ. (محمد / ۳۱)

ما همه شما را قطعاً می‌آزماییم تا معلوم شود مجاهدان واقعی و صابران از میان شما کیانند.

این آیه خطاب به مؤمنان است و نشان می‌دهد:

اولاً: این آزمایش مخصوص مؤمنان است.

ثانیاً: یکی از وسایل آزمایش الهی، تکلیف‌های دشوار، از جمله قتال مؤمنان با کافران است؛ چراکه تکلیف‌های معمولی و آسان، نیازی به جهد و صبر ندارند.

بنابراین هدف از «سنت آزمایش» در این آیه شریفه، دو چیز است:

الف) نمایان شدن مجاهدان واقعی از مدعیان دروغین ایمان.

ب) معین شدن مؤمنانی که در عمل به تکالیف الهی بردباری نشان می‌دهند، از سایرین.

شاید بادقت بتوان جهاد و صبر را لازم و ملزوم یکدیگر تلقی کرد؛ ولی برخی از مفسران، مجاهدت و صبر را دو مقام مجزا دانسته و گفته‌اند: شاید صابران درجه بالاتری از مجاهدان داشته باشند؛ چراکه بیش از آنها در معرض بلا و سختی قرار دارند. (ر.ک: مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۳ / ۲۶۵)

مقصود از «نعم» در آیه فوق نیز علم فعلی خداست که با آشکار شدن اعمال انسان‌ها تحقق می‌یابد، وگرنه خداوند طبق علم ذاتی خویش، از نیت‌ها و اعمال انسان‌ها پیش از وقوع آنها آگاه است.

۴. نمایاندن خائفان از عذاب اخروی

بازنمایی چهره کسانی که از عذاب آخرت می‌هراسند، یکی از اهداف آزمایش بیان شده که زیرمجموعه نمایاندن چهره مؤمنان واقعی است؛ زیرا آنان کسانی هستند که به عالم غیب و قیامت ایمان دارند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيُبْلِغَكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ ... (مائده / ۹۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خداوند شما را به چیزی از شکار که (به نزدیکی شما می‌آید، به‌طوری‌که) دست‌ها و نیزه‌هایتان به آن می‌رسد، می‌آزماید تا خدا کسی را که از او به‌سبب کيفرش که از نهان است، می‌ترسد، معلوم گرداند ...

طبق مفاد این آیه خداوند می‌خواهد در پرتو تکالیفی که برای مؤمنان در نظر گرفته است، میزان ترس آنان از خود را بیازماید؛ زیرا یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های مؤمنان در عمل به دستورات دینی، ایمان به غیب و عذاب اخروی است که خداوند از آن خبر داده است؛ ولی در این عالم نمایان نیست. در سایه ایمان به غیب و عذاب‌های اخروی می‌توان به تکالیف الهی عمل نمود و بنابراین بین عمل به تکالیف و ایمان به غیب، ارتباط مستقیمی برقرار است. از این رو یکی از اهداف آزمایش مؤمنان بازشناسی کسانی است که تنها به‌علت خوف از خدا و عذاب قیامت، نه برای ریا و دین‌فروشی، به احکام الهی عمل می‌کنند.

نتیجه

در یک جمع‌بندی باید گفت با توجه به آیات قرآن مجید، اهداف سنت آزمایش به دو دسته اهداف کلی و

جزئی تقسیم می‌شوند؛ اهداف کلی اهدافی به‌شمار می‌آیند که اهداف جزئی زیرمجموعه آنها محسوب می‌شوند، یعنی به‌نوعی به آنها مرتبط می‌باشند. تمحیص به‌معنی خالص کردن فرد و جامعه و نمایاندن چهره مؤمنان حقیقی، دو هدف کلی سریان سنت آزمایش بوده و سایر اهداف جزئی به‌نوعی مرتبط با دو هدف مذکور می‌باشند که در این میان اهداف مرتبط با تمحیص عبارتند از زمینه‌سازی ساخته شدن انسان کامل، فراهم شدن زمینه بازگشت به‌سوی خدا، بسترسازی قدرشناسی و مهیا نمودن زمینه هدایت انسان‌ها. در کنار اهداف فوق چهار هدف؛ آشکار نمودن چهره برترین انسان‌ها، نمایاندن مجاهدان در راه خدا از منافقان و کافران، سنجش میزان صبر و بردباری انسان‌ها در راه خدا، معین کردن چهره‌هایی که از عذاب اخروی می‌هراسند، اهداف مرتبط با هدف کلی نمایاندن چهره مؤمنان حقیقی به‌شمار می‌آیند.

منابع و مؤاخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی، ۱۴۲۲ق، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت، دارالکتب العربی.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر، بی‌تا، *التحریر و التنبیر*، بی‌جا، بی‌نا.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، چ سوم.
۶. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۷. اسکافی، محمد بن همام، ۱۴۰۴ق، *التمحیص*، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام.
۸. جعفری، یعقوب، ۱۳۷۷، *تفسیر کوثر*، قم، هجرت.
۹. زمخشری، محمود، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دارالکتب العربی.
۱۰. سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ق، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی.
۱۱. طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۸۵، *مشکاة الأنوار*، نجف، کتابخانه حیدریه.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
۱۴. _____، ۱۳۷۷، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۵. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان*، بیروت، دارالمعرفه، چ اول.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق با مقدمه شیخ آغابزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیرعاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱۷. عاملی، علی بن حسین، ۱۴۱۳ق، *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*، قم، دارالقرآن الکریم.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، *العین*، قم، هجرت، چ دوم.
۱۹. فضل الله، سید محمد حسین، ۱۴۱۹ق، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک للطباعة و النشر، الطبعة الثانية.
۲۰. فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، تهران، صدر.
۲۱. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۲۲. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، *تفسیر قمی*، قم، دارالکتاب.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸، *الاصول من الکافی*، تحقیق علی اکبر الغفاری، تهران، مکتبة الاسلامیه.
۲۴. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة.
۲۵. مدرسی، سید محمد تقی، ۱۴۱۹ق، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی الحسین.